



Research Article

The Investigation and Analysis of the Narration Time in the Story of Moses (PBUH) from the Perspective of Gérard Genette's Theory Based on the Quran

Faramarz Talaei¹, Mohammad Farahmand Sarabi^{2*}, Vododo Valizadeh³,
Faramarz Jalalat²

Abstract

The narration is one of the basic and primary aspects of any storytelling in which objects, places, and static aspects of the story and characters are represented. One of the components of narration is the issue of time, which has been the focus of various narratologists. French structuralist Gérard Genette is one of the most prominent theorists in this field. In addition to mood and voice, he considered the time and anachronism of the narration to be the most important components of the narration of the story in order to convey the message quickly and effectively. Considering the importance of this issue in the narrations of the Holy Quran, the present research has tried to point to the narrative theory of Genette through the descriptive-analytical method as well as the narrative time of the story of Moses (PBUH), which is one of the most prominent stories in the Quran.

The result of this research indicates that although more of the techniques of the anachronistic (i.e., order, duality, and frequency) are used, through retrospect in the story the dominant aspect of the anachronistic is the frequency of a repeated type, and in the duality, it has mostly been with the state of deletion or summary.

Keywords: Moses (PBUH), Narrative, Narration, Narrative time, Gérard Genette

1. PhD student in Religions and Mysticism, Department of Theology and Islamic Studies, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

3. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Parsabad Moghan Branch, Islamic Azad University, Parsabad Moghan, Iran

Correspondence Author: Mohammad Farahmand Sarabi

Email: mfarahmand1349@gmail.com

How to Cite: Talaei F, Farahmand Sarabi M, Valizadeh V, Jalalat F., The Investigation and Analysis of the Narration Time in the Story of Moses (PBUH) from the Perspective of Gérard Genette's Theory Based on the Quran, *Journal of Quranic Studies Quarterly*, 2024;14(56):623-641.



بررسی و تحلیل زمان روایت در داستان قرآنی موسی (ع) بر اساس دیدگاه ژرار ژنت^۱

فرامرز طلائی^۱، محمد فرهمند سرابی^۲، ودود و ولیزاده^۳، فرامرز جلال^۴

چکیده

در هر روایت داستانی، روایت‌گری یکی از جنبه‌های اساسی و اولیه‌ی آن است که بازنمایی اشیا، مکان‌ها و جنبه‌های ایستای داستان و شخصیت‌ها از طریق آن صورت می‌گیرد. از جمله مولفه‌های مطرح شده در روایت‌گری، مسأله‌ی زمان است که مورد توجه روایت‌شناسان مختلف قرار گرفته است. ژرار ژنت ساختارگرای فرانسوی از نظریه پردازان برجسته در این زمینه است؛ ایشان علاوه بر (وجه و آوا) زمان و زمان پیریشی‌های روایت را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های روایت داستان در جهت انتقال سریع و بهتر پیام دانسته است. با توجه به اهمیت این موضوع در روایت‌گری‌های قرآن کریم، پژوهش مذکور سعی کرده ضمن اشاره به نظریه‌ی روایی ژنت، با روش توصیفی - تحلیلی، زمان روایی داستان موسی (ع)، که از برجسته‌ترین داستان‌های قرآنی است، را مورد بررسی قرار دهد. نتیجه این بررسی مشخص می‌کند که در این داستان، هر چند کما بیش از تمامی شگردهای زمان پیریشی، اعم از ترتیب، تداوم و بسامد استفاده گشته است، اما وجه غالب در زمان

۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری فرامرز طلائی دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل می باشد

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد پارس آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس آباد مغان، ایران

ایمیل: mfarahmand1349@gmail.com

نویسنده مسئول: محمد فرهمند سرابی

پیریشی‌ها، با گذشته نگری درون داستانی، در بسامد با نوع مکرر و در تداوم هم بیشتر با حالت حذف یا خلاصه بوده است.

واژگان کلیدی: موسی (ع)، روایت، روایت‌گری، زمانِ روایی، ژرارژنت

مقدمه و بیان مسئله

تحلیل بهتر متون داستانی خاصه داستان‌های قرآنی ضرورت توجه به ساختار آن‌ها را نیز موجب می‌شود. این نوع نگاه به نوبه خود قصه را از نگاه داستانی صرف خارج کرده، و ساختار، شکل ادبی و روایت‌شناسی داستان را در چهارچوب قواعد خاصی تشریح می‌کند. روایت‌شناسی به نوعی شناخت دستور زبان روایت است که با رویکردی منظم و منسجم به بررسی ساختار روایت می‌پردازد. در تحلیل ساختار روایت اشکال مشابه و یا یکسان، امتداد و نیز بخش‌های تکراری روایت آشکار می‌شود که این امر به فهم بیشتر و دید تازه‌ای از داستان می‌انجامد. از نظریات مطرح در حوزه ساختارشناسی، می‌توان به نظریه روایت‌شناسی ژرار ژنت اشاره کرد. ژرار ژنت نظریه‌پرداز ساختارگرای فرانسوی است که نظریات ایشان در زمینه روایت به نوعی از کامل‌ترین پژوهش‌های معاصر است. او برای یافتن رابطه بین داستان و روایت قالب و الگوی خاصی ارائه می‌دهد. این قالب شامل سه مقوله (زمان، وجه و آوا) است. با توجه به این که در نظریه روایت‌شناسی ژرار ژنت (زمان) از جایگاه بسیار مهمی برخوردار و به عبارتی عنصری تعیین‌کننده است، پژوهش حاضر به مؤلفه زمان در سه بخش نظم و ترتیب (چه زمانی)، تداوم (چه مدت)، بسامد (چند وقت یکبار) در داستان قرآنی موسی (ع) پرداخته است. این سه مؤلفه دارای زیرمجموعه‌های پس‌نگر، پیش‌نگر، مختلط، حذف، خلاصه، مکث توصیفی، صحنه نمایش و انواع بسامد اعم از مفرد، مکرر و بازگو است. لذا با توجه به این که داستان حضرت موسی (ع) در بیش از (۲۰) سوره و نام ایشان (۱۳۶) بار و فرازهای برجسته زندگانی و دعوت ایشان نیز در (۴۲۰) آیه آمده است؛ و از آن جا که این داستان از مهم‌ترین روایت‌های قرآنی است، بررسی زمانِ روایی این داستان در قالب نظریه ژرار ژنت می‌تواند باب جدیدی در پژوهش‌های قرآنی باز کرده و به تحلیل ساختاری و به دنبال آن درک عمیق مفاهیم قرآنی منجر شود. در این پژوهش

به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که مؤلفه‌های زمان روایی نظریه ژرار ژنت تا چه اندازه قابل انطباق با داستان حضرت موسی در قرآن، است؟

پیشینه پژوهش

درباره ژرار ژنت پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است؛ اما این که داستان حضرت موسی به صورت دقیق و کامل بر اساس نظریه ژرار ژنت بررسی شده باشد، پژوهش مستقیمی یافت نشد؛ از جمله مقاله‌ها و پایان‌نامه نگارش یافته که می‌توانند در مسیر تحقیق مورد توجه قرار بگیرند. می‌توان موارد زیر را نام برد:

- پایان‌نامه «درآمدی بر قصص قرآنی»، نگارش عباس اشرفی. در این پژوهش به اسلوب‌های بیان در قصص قرآنی مانند اسلوب بیان، حسن الفاظ و عبارات و تعریف و تکرار پرداخته شده است.

- مقاله «احس القصص رویکرد روایت شناختی به قصص قرآنی»، نوشته ابوالفضل حری که در آن پژوهشگر ۳۴ یافته تازه را در ارتباط میان قصص قرآنی و روایت‌شناسی بازگو می‌کند.

- مقاله «تحلیل روایی داستان حضرت موسی (ع) با تکیه بر نظریه ژپ لینت ولت»، نوشته فاطمه سعیده اقارب پرست مهدی مطیع. یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد که داستان موسی (ع) از جهت گونه‌روایی، ناهمسان و به صورت تلفیقی متن نگار و گنش‌گر روایت شده است. نوع زاویه دید، بیرونی و از نوع دانای کل و الگوی طرح‌های داستان دارای ساختاری کامل است. نقش الگویی در ماجراهای زندگی موسی (ع)، مخاطب را با آموزنده‌ترین برداشت‌های تفسیری روبرو می‌کند و دانای کل با پردازشی مطلوب در مؤلفه‌های روایتگری، سلوک معنوی را در دشوارترین عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی برای خواننده ترسیم می‌کند و این چنین زبان قرآن را برای مخاطب، گویا و فصیح می‌گرداند.

- مقاله «مؤلفه‌های قرآنی قصص در روایی مکان و زمان»، نوشته حری ابوالفضل. این مقاله زمان و مکان روایی را در قصص قرآنی بررسی می‌کند. ابتدا به عنصر زمان روایی از دیدگاه ژنت اشاره می‌شود و بر این اساس رابطه میان زمان داستان و زمان متن، مفاهیم «نظم»، «تداوم» و «بسامد» را با ذکر نمونه‌هایی از قصص قرآنی تبیین می‌کنیم. سپس به سنخ‌شناسی، شاخص‌های متنی و کارکردهای مکان روایی با اشاره به سوره یوسف (از میان

سایر قصص) می‌پردازیم. می‌توان گفت که تحلیل زمان و مکان روایی در قصص قرآنی اولاً، به بسط و گسترش پی‌رنگ قصص، ثانیاً، شخصیت‌پردازی و در نهایت، تفسیر و درک سوره‌ها کمک می‌کند.

- مقاله «مکان، زمان، رؤیا و شخصیت در سوره‌ی یوسف (ع)»، نوشته خلیل پروینی و مرتضی زارع‌برمی. یافته‌های این پژوهش نشان داده که ارائه تصویری روشن و دقیق از اجتماع، مکان و زمان قصه، خلاقیت در آفرینش، خلق چهره‌های متفاوت از یک شخصیت، گفت‌وگو و طرح حوادث از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های هنری و ادبی سوره یوسف است.
- مقاله «واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن»، کریم نوشته‌ی علی اصغر حبیبی. در این مقاله با هدف واکاوی ابعاد گوناگون داستان‌های قرآنی و کنکاش در اهداف و شیوه‌های پردازش آن‌ها، با ذکر نمونه‌هایی به تحقیق در جوانب مختلف روایی داستان‌های قرآن پرداخته شده است و در نهایت این نتیجه حاصل شد که مؤلفه‌های روایتگری و عناصر داستانی در قرآن از پردازش مطلوب، بافت و ساختاری هنرمندانه برخوردار است.

روایت و روایتگری

روایت شکلی از سخن است که به صورت رویدادهای متوالی و آن هم نظام‌مند در کنار همدیگر قرار می‌گیرد و داستانی را بازگو می‌کند. مایکل جی. تولان^۱ روایت را «توالی از پیش نگاشته‌شده‌ی حوادثی می‌داند، که غیراتفاقی به هم پیوند داده شده‌اند» (تولان، ۱۳۹۳: ۱۹). اسکولز وکلگ^۲ در کتاب خود، «ماهیت روایت» تعریفی این‌چنینی از یک متن روایی ارائه کرده‌اند: «کلیه‌ی متون ادبی را که دارای دو خصوصیت وجود قصه و حضور قصه‌گو است، می‌توان یک متن روایی دانست» (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۵-۸). در خصوص تاریخچه روایت، قدمت روایت به تاریخ بشر بازمی‌گردد، چنان‌که آسابرگر^۳ معتقد است: «که در هیچ‌جا مردمی نمی‌بینم که بدون روایت باشند» (پورعمرانی، ۱۳۸۹: ۸۶). روایت‌شناسی که به بررسی این علم می‌پردازد «مجموعه‌ای از احکام کلی درباره‌ی ژانرهای روایی، نظام‌های حاکم بر روایت و ساختار پیرنگ است»

1 Maykel Ji Tulan

2 Eskooloz Voklag

3 Asa Berger

(مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۴۹). منظور و هدف از روایت « بازگویی رویدادهای داستان و روایت است که ژنت آن را تولید عمل روایی می‌نامد» (وبستر، ۱۳۸۲: ۸۷).

دیدگاه زمانی ژرار ژنت در خصوص روایت

ژرار ژنت ساختارگرا و نظریه‌پرداز به نام فرانسوی از اثرگذارترین پژوهشگران در عرصه نظریه روایت محسوب می‌شود. «دستاوردهای حاصل از نظرات ژرار ژنت، بنیادی‌تر از یافته‌های سایر همکاران روایت‌شناس اوست» (هارلند، ۱۳۹۶: ۴۵۵). یکی از مولفه‌های نظریه ژرار ژنت زمان روایت است. ژرار ژنت در مورد زمان روایت می‌نویسد که: «روایت نوعی توالی زمانی دولایه است. در روایت دو نوع زمان داریم، زمان چیزی که نقل می‌شود و زمان روایت، یعنی (زمان مدلول و زمان دال). کار ثنویت... این است که از ما می‌خواهد در نظر داشته باشیم یکی از کارکردهای روایت عبارتست از ابداع طرح واره‌های زمانی برحسب طرح واره‌ی زمانی دیگر» (ژنت، ۱۳۹۱: ۵۰). در خصوص زمان بندی متن، «ژنت جامع‌ترین بحث را ذیل ناهم‌خوانی زمان داستان و زمان متن مطرح کرده است و معتقد به یک نوع رابطه‌ی زمانی میان زمان داستان و زمان متن است» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۰). هنری جیمز در مورد زمان می‌گوید: «این مسأله جاوید زمان ... همیشه با ماست و همیشه نیز مهیب و دشوار است. همیشه بر اثرات گذشت و گذار خود، این دوزخ این گرداب تاریک و واپس‌گریز اصرار می‌ورزد» (آلوت، ۱۳۸۰: ۱۶۸). در خصوص اهمیت این مقوله باید گفت که زمان به ساختار روایت استحکام می‌بخشد و نقش ستون را در روایت دارد. عنصر زمان در نظریه ژرار ژنت دارای سه مؤلفه اصلی است که عبارتند از: ترتیب، بسامد و تداوم، و هر کدام از این مؤلفه‌ها دارای زیرمجموعه‌هایی است.

نظم و ترتیب

نظم و ترتیب حاکی از ارتباط بین رویدادها در داستان و ترتیب ارائه آن‌ها در روایت است. در نظم و ترتیب زمانی «زمان خواندن را می‌توان زمان سخن نامید» (قاسمی پور، ۱۳۸۷: ۱۲۷). در داستان‌ها به رویدادهای گذشته و آینده پرداخته می‌شود، اما گاهی در زمان روایت، زمان پریشی وجود دارد، از نظر مکوئیلان این «زمان گسیختگی بین ترتیب و توالی وقوع رویدادها و ترتیب بازگفته شدن رویدادها در یک روایت» به وقوع می‌پیوندد (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۴۹۷). در این زمان

گسیختگی‌ها «ترتیب روایت شدن حوادث با ترتیب زمانی رخ دادن آن‌ها مطابقت ندارد. داستان گاهی پس نگاه دارد یعنی گذشته گویی دارد...گاهی نیز داستان ممکن است پیش نگاه داشته باشد تا بدین وسیله رویدادی را که بعداً رخ خواهد داد روایت شود که می‌توانیم بگوییم که در این قبیل بخش‌های داستان آینده گویی صورت می‌گیرد» (مانفردیان، ۱۴۰۰: ۳۸). در گذشته نگری که «تحسرات شخصیت داستان مطرح می‌شود، راوی زمان واقعی را می‌شکند و با اصل علی و معلولی به زمان آینده می‌رود» (زیتونی، ۲۰۰۲: ۳۵). در آینده نگری «اگر رخدادی در متن به ترتیب الف، ب، ج باشد، به ترتیب ج، الف، ب پشت سر هم قرار گیرند، آن‌گاه رخداد «ج» آینده‌نگر خواهد بود» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۷). البته گذشته نگری و آینده نگری در داستان می‌تواند «هم داستانی و یا دگر داستانی باشد بسته به این که اطلاعات مربوط به همان شخصیت، واقعه یا خط داستانی را که بلافاصله در متن پیش از آن آمده است دربر داشته باشد یا اطلاعات مربوط به شخصیت‌ها و وقایع متفاوت» (تولان، ۱۳۹۳: ۸۱-۸۰).

تداوم / استمرار / دیرش

دومین مؤلفه زمانی در روایت از دیدگاه ژنت تداوم یا دیرش داستان است. «تداوم به رابطه بین زمانی که یک رویداد در دنیای واقعی به درازا کشیده و زمانی که در واقعیت طول می‌کشد تا آن رویداد در دنیای روایی، روایت شود توجه دارد» (برتر، ۱۳۸۸: ۱۰۰). در واقع از نظر کارکرد «تداوم روایت نشان می‌دهد که کدام رخدادها یا کارکردهای داستان را می‌توان گسترش داد یا حذف کرد» (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۱۶). ایگلتون نیز با دیدی گسترده به تداوم نگاه می‌کند و معتقد است تداوم است که: «در روایت چگونه رویداد و قطعه را حذف می‌کند، بسط می‌دهد، خلاصه یا فشرده می‌کند و درنگ کوتاهی ایجاد می‌کند» (ایگلتون، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۵). با توجه به آن چه بیان شد تداوم که مربوط به طول زمانی است در سه حالت شتاب مثبت (خلاصه و تقطیع زمانی)، شتاب ثابت و شتاب منفی (مکث توصیفی و صحنه نمایش) وجود دارد، که در هر حال «سرعت رخدادها و حجم نباید در حدی باشد که شخصیت‌پردازی از یاد برود» (بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۷۴). خلاصه «صحنه نمایش مستقیم وازگان واکنش‌های شخصیت‌هاست که اغلب دراماتیک خواننده می‌شود» (والاس، ۱۳۹۱: ۹۱). حذف یعنی بیشترین میزان تقطیع وقایع زمان داستان. منظور از حذف «مدتی از زمان داستان است که اصلاً در متن بازنمایی نشده است (مانفردیان،

۱۳۹۸: ۱۲۰). در شتاب ثابت، هم (هم دیرشی) صورت می‌گیرد؛ یعنی زمان داستان و زمان گفتمان تقریباً با هم یکسان می‌باشد. در مکث توصیفی، توصیفات و جملات بیشتری به بخش کوچکی از متن تخصیص داده می‌شود. توصیف یعنی: «ارائه و ترسیم اشیاء، رویدادها، احوال و رفتار اشخاص داستان» (برنس، ۲۰۰۳: ۵۸). صحنه نمایش هم نه به اندازه مکث توصیفی به شکل جزئی‌تر، بلکه کمی کمتر به تناسب زمان داستان و زمان روایت اشاره دارد و به میدانی برای نمایش وقایع تبدیل می‌شود که زمان در آن تقریباً با کندی پیش می‌رود.

بسامد

آخرین رابطه میان زمان سخن و زمان داستان بسامد است. بسامد یعنی میزان تکرار بیان وقایع در روایت. وقایع در داستان به آن شکلی که اتفاق می‌افتند روایت نمی‌شوند، امکان تغییر داستان در روایت به شکل کاهش حوادث مکرر داستان و یا تکرار چندباره حوادثی که یکبار اتفاق افتاده‌اند، وجود دارد. درخصوص اهمیت تکرار می‌توان گفت «تکرار عنصری است مهم در نقشه داستان، و کمک می‌کند تا اجزای جداگانه یک داستان با هم پیوند بخورند و در نتیجه کل ساختار را محکم‌تر و غنی‌تر می‌سازد (اسکولز، ۱۳۹۱: ۳۷). ژرارژنت سه امکان برای بسامد یا تکرار فرض می‌کند؛ روایت تک‌محور (مفرد)، روایت مکرر و بازگو. «هر رویداد یا فقط یک بار نقل می‌شود (روایت واحد)، یا چند بار (روایت مکرر)، و یا اگر رویدادهایی که در بنیان همانندند هر بار که رخ دهند توصیف شوند آن‌ها را عناصر این همانی یا عناصر چگالی می‌نامند (والاس، ۱۳۹۱: ۹۱). در این میان ویژگی بسامد بازگو این است که «نویسنده معمولاً حالت پایدار آغازین را به کمک افعال استمراری که ارزشی تکرارشونده دارند، بیان می‌کند» (تودوروف، ۱۳۷۳: ۶۲).

تحلیل و بررسی داستان قرآنی حضرت موسی بر اساس مؤلفه زمان نظریه ژرار ژنت

مؤلفه نظم و ترتیب زمانی در داستان قرآنی حضرت موسی (ع)

همچنان که بیان شد در نظریه روایی ژرارژنت زمان در سه مقوله نظم یا ترتیب، تداوم یا دیرش و بسامد مورد توجه است. باید توجه داشت که از لحاظ زمانی حوادث در داستان موسی (ع) بسیار سریع اتفاق می‌افتد. در این داستان مؤلفه زمان پریشی به خوبی مشاهده می‌شود. داستان به تدریج سیر گاه‌شمارانه خود را از دست می‌دهد. برای مثال در سوره قصص از آیه (۶)

به بعد، داستان از زمانی شروع می‌شود که مادر موسی (ع) هراسان است که مبادا فرعونیان کودکش را بیابند و او را بکشند. خداوند به او اطمینان خاطر می‌دهد که ما او را به تو باز می‌گردانیم و او از شمار پیامبران خواهد بود. «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقَاهُ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (قصص/۷). در واقع در این آیه چند بار زمان به سمت آینده حرکت می‌کند. بار اول زمانی است که خداوند به او می‌فرماید که او را دوباره به تو باز می‌گردانیم؛ انا رادوه الیک؛ بار دوم زمانی است که می‌گوید: «وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ». در این صحنه از داستان زمان آن چند سال الی چند دهه به آینده پیش می‌رود و در مقابل دیدگان مادر موسی زمان به تصویر کشیده می‌شود که فرزندش در شمار مقربان الهی خواهد شد. این آینده‌نگری درون داستانی و خبر از زمان‌هایی که هنوز نیامده، قوت قلبی به مادر موسی می‌دهد که راحت‌تر کودکش را به دست سرنوشت و آن چه تقدیر الهی است، بسپارد. جهش زمانی دیگری در صحنه‌ی بعدی به میان می‌آید. در این صحنه خانواده‌ی فرعون موسی را می‌یابند. در این جا باز صحبت از آینده‌ای می‌شود که در انتظار فرعون و هامان است. «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ» (قصص/۸). پس از این آیه دوباره زمان به حال برمی‌گردد و زن فرعون از همسرش درخواست می‌کند که این کودک را به فرزندی بگیرند. در آیه (۱) سوره قصص دوباره شاهد آینده‌نگری درون داستانی هستیم که راوی کل در آن پیش روی خواننده صحنه‌ای را ایجاد خلق می‌کند که در آن موسی بزرگ شده و به مقابله با ظلم فرعون می‌پردازد. «وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص/۱)... عبارت «لَا يَشْعُرُونَ» در این آیه اشاره به وقایعی دارد که در آینده به وقوع خواهد پیوست. این آینده‌نگری (از دیدگاه ژنت) خواننده را در انتظار می‌گذارد که اتفاقی را که پیش از زمان خود اعلام شده، در نهایت داستان ببیند. داستان در این سوره به همین شکل به جلو می‌رود تا این که شخصی که شاهد قتل مرد مصری به دست موسی بود به او می‌گوید: «فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْبِطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ» (قصص/۱۹). در این آیه باز تکرار حادثه‌ای را داریم که پیشتر اتفاق افتاده بود، یعنی بازگشت کوتاهی به گذشته که دلیل درگیری مجدد موسی و آن مرد را برای خواننده توجیه می‌-

کند، و در ادامه اشاره به فعلی که به خواسته موسی (کشتن شخص دوم) در آینده نزدیک از نظر آن شخص معترض به موسی دارد. در این آیه یک نوع زمان پریشی ترکیبی از نوع گذشته نگری به همراه آینده نگری درون داستانی وجود دارد. داستان حضرت موسی در سوره (طه) بعد از آیه «وهل أتاکَ حدیثُ موسی» (طه/۹)، نمونه‌ی دیگری از این زمان پریشی‌ها است که با یک عبارت قرآنی پیامبر را به گذشته، سپس حال و آینده می‌برد. زمانی که موسی و خانواده‌اش در مدین به سمت مصر در حرکت هستند. او در تاریکی شب آتشی را می‌بیند و برای یافتن کمک به آن جا می‌رود، ولی با کمال تعجب با آتشی مواجه می‌شود که در حال شعله‌ور شدن از یک درخت است. صدایی می‌شنود و در این جا گفت‌وگویی بین خدا و موسی صورت می‌گیرد؛ که در این مکالمه گذشته‌نگر (حضرت محمد(ص) به عنوان شنونده در زمان حال نقش دارد) راوی مخاطبش را به زمان گذشته برده و به شکلی برای ایشان صحنه را ترسیم می‌کند گویی که زمان حال است، نقل روایت با شتاب ثابت است ابتدا به جریان انتخاب حضرت موسی برای رسالت اشاره می‌شود؛ سپس با استفاده از شگرد تلخیص و شتاب بسیار مثبت با آینده نگری به زمان قیامت و حتمیت آن اشاره می‌شود. بعد از ایجاد یقین در حضرت موسی برای برپایی قیامت دوباره راوی کل یعنی خداوند سبحان به زمان حال برگشته و داستان را با همان شتاب ثابت در خصوص عصای حضرت موسی و کاربرد معجزه‌گونه‌اش و نیز ید بیضای آن حضرت ادامه می‌دهد تا اطمینان قلبی در ایشان ایجاد کند؛ در ادامه از زبان حضرت موسی در زمان حال دعای او را بیان نموده که از خداوند سبحان همراهی هارون و قدرت بیان و انجام رسالت را درخواست می‌نماید، خداوند سبحان در جواب این درخواست موسی(ع) برای اینکه به حضرت موسی اطمینان دهد، باشگرد گذشته نگری شتاب مثبت اقدام می‌نماید و به زمان تولد حضرت موسی اشاره می‌کند که به چه شکلی از مرگ نجات پیدا کرد پس نگران نباشد. پس از ایجاد روحیه در یک لحظه از زمان گذشته به آینده‌ای که قرار است حضرت موسی در برابر فرعون رقم بزند در آیات (۴۲) به بعد گریزی می‌زند و از موسی(ع) و برادرش هارون می‌خواهد که به سمت فرعون حرکت کنند. داستان با آینده‌نگری و شتاب مثبت به جلو می‌رود تا اینکه با صحنه برخورد فرعون و حضرت موسی مواجه می‌شویم؛ در این آیات دوباره مکشی صورت گرفته و شتاب ثابتی بر این میدان کارزار حاکم است، تا این که داستان با پیروزی حضرت موسی به اتمام می‌رسد. استفاده از شگردهای زمان روایی با هدف

بیان داستان در عین جذابیت و مختصر بودن و تکیه بر عناصر عبرت‌آموز در این داستان دارای ویژگی خاصی بوده و مخاطب را از هدف اصلی آن آگاه می‌سازد بدون اینکه شنونده از عمق شاهکار ادبی روایی آگاه باشد. همین روال با کمی تغییرات در آیات و سوره‌های دیگر نیز ادامه دارد.

نمونه دیگر از زمان پریشی نظریه ژنت در داستان حضرت موسی در سوره (شعراء) ملاحظه می‌شود. در سوره شعراء داستان از زمانی جلوتر از سوره‌ی قبلی شروع می‌شود؛ یعنی زمانی که خداوند از موسی (ع) می‌خواهد که نزد فرعون برود و او را به سوی خدا دعوت کند. در آیه (۱۸) سوره شعرا زمان به چندین سال گذشته عقب‌تر می‌رود؛ زمانی که حضرت موسی دوران کودکی را سپری می‌کند. در این آیه فرعون به موسی (ع) می‌گوید به گذشته و دوران کودکی و اینکه در بین ما تربیت شدی بنگر «قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ» (شعراء/ ۱۸). این گذشته‌نگری از نوع درونی، به نحوی است که باعث می‌شود نوعی ارتباط بین گذشته و حال صورت بگیرد. به بیان دیگر با یادآوری داستان از لحظه‌ی شروع برای خواننده و با پر کردن شکاف زمانی داستان، به نوعی تسلسل حوادث داستان حفظ می‌شود. نکته‌ی حائز اهمیت در گذشته‌نگری این است که نویسنده از این طریق به متن خود زیبایی و جذابیت می‌بخشد و زمان را برای خواننده پرکشش می‌کند. به هر حال دوباره در آیه (۱۹) زمان به گذشته‌ای نزدیک‌تر سیر می‌کند، به زمانی که موسی مرد مصری را به قتل می‌رساند. «وَفَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (شعراء/ ۱۹). این مکالمه بین موسی و فرعون ادامه پیدا می‌کند و زمان با سیر خطی و گاه‌شمارانه در داستان ادامه می‌یابد، تا این‌که در آیه (۲۹) سوره شعرا فرعون حضرت موسی را تهدید می‌کند که اگر خدایی غیرازمن برگزینی تو را به زندان خواهم انداخت این آینده‌نگری مربوط به آینده‌ای است که زیاد دور نیست. «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء/ ۲۹). در سوره اعراف آیه (۱۲۹) ترکیبی از هر نوع زمان‌پریشی را می‌توان مشاهده کرد. «قَالُوا أَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (اعراف/ ۱۲۹). در این آیه بنی اسرائیل می‌گویند که ما در گذشته نیز مورد آزار و اذیت فرعون واقع شدیم. اشاره به زمانی است که فرعون دستور داده بود تمام نوزادان پسر را بکشند؛ یعنی زمانی در حدود چهار دهه گذشته. پس از آن زمان دوباره

به حال برمی‌گردد، عبارت «وَمَنْ بَعْدَ مَا جِئْتَنَا»؛ یعنی وقتی که تو آمدی، اشاره به این نوع حرکت زمانی دارد. در سوره بقره آیه (۴۹) وقتی خداوند سبحان می‌فرماید: «وَإِذْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ...» نوعی ارتباط میان زمان این دو حادثه دیده می‌شود. در این آیه به عذاب‌هایی اشاره می‌شود که خداوند در گذشته بر فرعونیان نازل کرده بود. این حوادث تماماً در گذشته‌ها رخ داده است. می‌توان گفت که زمان پربیشی در این جا از نوع گذشته‌نگری درون داستانی است که با تکرار آن به نوعی پیوستگی در رویدادهای داستان به وجود می‌آید. در این آیه کافران به موسی می‌گویند اگر ما را از این وبال نجات دهی ما اجازه می‌دهیم که بنی‌اسرائیل با تو از مصر خارج شوند؛ یعنی حادثه‌ای که قرار است در آینده نزدیک رخ دهد به عبارت دیگر زمان پربیشی (از نوع آینده‌نگری) بحث می‌شود.

بسامد در داستان حضرت موسی (ع)

داستان حضرت موسی (ع) از آن دسته قصص قرآنی است که انواع بسامد در آن وجود دارد، البته با توجه به این که اجزاء آن به‌طور مکرر و متناوب در سوره‌های مختلف و بنا بر اقتضای آن سوره‌ها تکرار شده، بسامد مکرر در آن از فراوانی بیشتری برخوردار است. به بیانی دیگر فعل یکی است اما در هر سوره قسمتی جدید از آن روایت می‌شود. چند مورد بسامد در سوره‌ای مختلف از وقایع داستان موسی (ع) ذکر شده که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم، زمانی که حضرت موسی از مدین به سمت مصر حرکت می‌کند، هنگام شب از دور آتشی را می‌بیند. از آن جا که شرایط طوری بوده که حضرت موسی احتیاج به راهنما داشته، پس به سمت آتش به حرکت در می‌آید. این حادثه در چند سوره تکرار شده است؛ «إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى» (طه / ۳۴). هنگامی که آتشی دید پس به خانواده خود گفت درنگ کنید؛ زیرا من آتشی دیدم امید که پاره‌ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه خود را باز یابم. «إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» (نمل / ۷). موسی به خانواده خود گفت: من از دور آتشی دیدم، زودا که از آن برایتان خبری بیاورم یا پاره آتشی شاید گرم شوید. یا در سوره قصص که موسی (ع) می‌گوید «قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» (قصص / ۹۱). به خانواده خود گفت بمانید که من آتشی از دور دیدم شاید خبری از آن یا شعله‌ای آتش برایتان

بیاورم باشد که خود را گرم کنید. در این گزارش، آن چه ثابت است و هیچ تغییری نمی پذیرد دو چیز است: یکی این که موسی از خانواده خود می خواهد در این نقطه درنگ کنند؛ دیگر این که موسی از دور آتشی را می بیند؛ بنابراین، در هر سه روایت این عبارت ثابت است: « اَمْكُتُوا اِنِّي اَنْسْتُ نَارًا »؛ این نوع بسامد که در آن ما شاهد چندین سخن هستیم که یک رخداد واحد را بازنمایی می کند بسامد چند محور است که به علت اهمیت موضوع که همان ابلاغ رسالت است سه مرتبه تکرار شده، عبارات به شکل گوناگون آمده. طبق این سه حالت، ذهنیت موسی در آن شب برای ما به وضوح مشخص می شود و مطابق آن بیان آیه ها هم تغییر می کند.

تداوم یا دیرش در داستان حضرت موسی (ع)

برای تداوم در داستان موسی (ع) ابتدا از شتاب مثبت در دو حالت خلاصه و حذف نمونه هایی ذکر می شود. در سوره ذاریات چنین آمده است: « وَ فِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. فَتَوَلَّىٰ بُرْهِنِهِ وَ قَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ. فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَ هُوَ مُلِيمٌ » (ذاریات / ۳۸-۴۰). در این سوره ذکر شده که: موسی را نزد فرعون با سلطان مبین فرستادیم. در این جا منظور از «سلطان مبین» همان معجزات است و دیگر اسمی از ید بیضا و عصا نیامده است. فرعون نپذیرفت و گفت موسی یا جادوگر است یا دیوانه پس او و سربازانش را در دریا غرق کردیم. در ادامه مشاهده می کنیم بخشی از چگونگی غرق شدن، شکافته شدن دریا، باقی ماندن سالم جسد بی جان فرعون و غیره بحثی نیامده و ما با نوعی خلاصه و حذف مواجه هستیم که در آن کل داستان را بیان می کند و به زمان برای خواننده شتاب زیادی می دهد تا بتواند او را به هدفی بزرگ تر در این سوره برساند که همان عاقبت ستمکاران است. در بررسی موارد مشابه در سوره ی طه آیه (۴۱) آمده: «وَاضْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي» که منظور خداوند از این آیه، ماجرای طور الایمن و برگزیده شدن موسی (ع) از جانب خداوند است، مورد دیگر خلاصه در داستان موسی (ع) در سوره ابراهیم مشاهده می شود. در سوره طه آیه (۵-۷) در مورد این داستان بحث شده است. « وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ » (طه / ۵-۷). در این سوره در ضمن مکالمه ی موسی و قومش می بینیم موسی نعمت های پروردگار که به بنی اسرائیل عطا

نموده را یادآوری می‌کند. که یکی از آن نعمات یعنی نجات از آل فرعون آمده، اما قسمت بحثی از نجات از دریا، نعمت من و سلوی، چشمه‌های جوشان و غیره نیامده است. در ادامه زمان شتاب بیشتری می‌گیرد و از زبان راوی کل یعنی خداوند سبحان بیان می‌فرماید: اگر کفر ورزید عذاب من شدید است که می‌تواند هم شامل عذاب چهل سال سرگردانی و هم شامل عذاب آخری باشد و در نوع خودش هر چند زمانی طولانی است اما با شگرد حذف در یک عبارت کوتاه قرآنی بیان شده است. در سوره (شعراء) نیز با نمونه‌ی دیگری از خلاصه مواجه هستیم. در آیات (۱۸ و ۱۹) این سوره فرعون دوران کودکی و جوانی موسی را یادآوری می‌کند و کل صحنه‌های این دوره زمانی را مرور می‌کند. در این جا دوران پیش از رسالت موسی؛ یعنی کودکی، جوانی با تمام حوادث آن در دو آیه خلاصه شده است. « قَالَ أَلَمْ نُنزِكْ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ. وَفَعَلْتَ فَعَلَتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ » (شعرا ۱۸/۱۹). از این رو در این جا زمان سخن متوقف مانده و بازسازی و ترمیم اطلاعات خلاصه شده بر عهده‌ی مخاطب گذاشته شده است. این شگردی است که ژرارژنت آن را به‌عنوان سرعت حداکثری معرفی می‌کند.

درنگ توصیفی حالتی از تداوم است که در آن مخاطب از طریق توضیحات راوی در باب مسائل مختلف توانایی شناخت و فهم عمیقی از حوادث کسب می‌کند و در عین حال سرعت خواندنش کم می‌شود. مخاطب در این جا آنقدر درگیر موضوعات مختلف داستانی می‌شود که حس گذر زمان را از دست می‌دهد.

نمونه‌ای از درنگ توصیفی در داستان حضرت موسی آن جاست که خداوند در سوره طه درباره‌ی عصا از موسی (ع) می‌پرسد. در سطح متن آیات زیادی به توصیف کارکردهای عصا اختصاص یافته است و ما شاهد یک حالت دور آرام همراه با بیان جزئیات هستیم. « وَ مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى. قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى. قَالَ أَلْفِهَا يَا مُوسَى. فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى. قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى. وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى. لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى » (طه/۱۷-۲۳).

صحنه نمایش، در این حالت حایلی بین زمان داستان و زمان روایت قرار نمی‌گیرد و زمان داستان و روایت تقریباً برابر می‌شود، و مخاطب بی‌واسطه به سرعت روایت پی می‌برد. اساسی-

ترین حالت نمایش صحنه، گفت و گو است. گفت و گوهایی که در داستان حضرت موسی با آن روبه رو هستیم، به شرح زیر است:

۱- گفت و گوی خداوند با موسی (ع)؛ ۲- گفت و گوی خداوند با موسی و هارون؛ ۳- گفت و گوی موسی و فرعون؛ ۴- گفت و گوی موسی و ساحران؛ ۵- گفت و گوی ساحران و فرعون؛ ۶- گفت و گوی موسی و قومش؛ ۷- گفت و گوی هارون و موسی؛ ۸- گفت و گوی هارون و قومش؛ ۹- گفت و گوی موسی و سامری؛ ۱۰- گفت و گوی موسی و خضر. برای مثال نمایش صحنه در آیات (۶۵-۸۳) سوره (کهف) در داستان موسی و خضر کاملاً مشهود است. « فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا. قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا. قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا. وَكَيفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا. قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا. قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا. فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرِقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا. قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا. قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُزْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عَسْرًا. فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَفَقَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا رَكِيئَةً بَعِيرٍ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا. قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا. قَالَ إِنْ سَأَلْتَكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي فَدَّ بَلَعْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا. فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتِيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلُهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوا لَهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَتَّقِصَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا. قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا. أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا. وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا. فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا. وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا. وَيَسْأَلُونَكَ عَنْ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا » (کهف ۸۳-۶۵). از لحاظ ادبی، با توجه به موضوع این پژوهش و با مطالعه این داستان، خواننده در تک تک لحظات با موسی و خضر همراه می شود و زمان به کندی می گذرد چراکه گفت و گوی بین این دو نفر باعث می شود که در همان لحظه قرار بگیریم. در سوره (شعراء ۹ نمونه ی دیگر از گفت و گوها در داستان حضرت موسی را می بینیم. در این سوره در آیه (۱۰) گفت-

وگو با عبارت «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى» آغاز می‌شود و سپس مکالمه بین خداوند و موسی با ذکر برخی جزئیات ادامه می‌یابد «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ. قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَدِّبُونِ. وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ... وَأَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ». پس از آن گفت‌وگو بین موسی (ع) و فرعون شروع می‌شود و در آن در مورد توحید، حکومت‌داری، مدیریت و تبلیغ و... بیان می‌شود. «قَالَ أَلَمْ نُزِبْكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ. فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُزْسَلِينَ. وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ. قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ. قَالَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُ مُوقِنِينَ. قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ. قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ. قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ. قَالَ رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ قَالَ لَنْ اتَّخَذتُ إِلَهًا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُودِينَ. قَالَ أَوْلُو جُنَّتِكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ. قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ». پس از آن گفت‌وگو بین فرعون و ساحران و همچنین موسی و ساحران آغاز می‌شود و تا آیه (۵۳) ادامه می‌یابد. این گفت‌وگوها داستان را به نمایش تبدیل می‌کند و خواننده را به مشاهده‌گر. در سوره طه نیز آیات (۱۰-۵۹) نمونه‌ای دیگر از گفت‌وگوهای قرآنی را می‌بینیم. در این بخش از گفت‌وگوها سخنان فرعون با عباراتی کوتاه بیان می‌شود که نوعی اجازه گرفتن برای سخن است؛ اما به موسی و هارون اجازه داده می‌شود در جهت تفهیم فرعون و اطرافیان از توضیحات کافی با خاطر راحت استفاده کنند. «قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى. قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى. قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى. فَقَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى. الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى» (طه/۵۳-۴۹). نکته قابل ذکر این است که «مکالمه نوعی تعامل کلامی است و بدیهی است که نقل کامل حوادث داستان در سطح متن می‌تواند نوعی چند صدایی ایجاد کند و چند صدایی نوعی فرصت در اختیار گویندگان قرار می‌دهد که نظرات خود را اعلام کنند. قرآن نیز این فرصت را در اختیار موسی و فرعون قرار می‌دهد که در موضعی برابر، (موسی) در مقام پیامبر الهی (و فرعون) در مقام حاکم وقت، اندیشه‌های خود را ابراز کنند» (حری، ۱۳۸۸: ۳۱۰).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش مشخص شد که در قصه‌ی موسی (ع) ویژگی‌های زمان روایی ژرار ژنت اعم از نظم، تداوم و بسامد کاربرد ویژه‌ای داشته است. رویدادهای این قصه از نظر زمان روایت، همواره سیر خطی مستقیم و گاه‌شمارانه نداشته و گذشته‌نگری و آینده‌نگری عمده‌ترین شکل به هم خوردن نظم و توالی در آن است. این زمان پریشی‌ها جهت عبرت‌آموزی از وقایع گذشته و یا پیشگویی‌های دقیق از آینده مورد استفاده قرار گرفته است. شگرد تداوم در این قصه از طریق به‌کارگیری تکنیک‌هایی از جمله خلاصه، حذف، درنگ توصیفی و نمایش صحنه ایجاد شده است. با توجه به محتوای آیات بیشتر موارد به شکل خلاصه و حذف می‌باشد، اما در بخش‌هایی هم ترکیبی از صحنه‌های نمایشی و مکث‌های توصیفی به شکل گفتگو موجود است. بسامد مکرر و سپس مفرد دارای بیشترین فراوانی هستند. تکرار موضوعات به نوعی نشانگر اهمیت آن‌هاست. بسامد بازگو هم کمترین حجم از آیات را به خود اختصاص داده است و در موارد نادرتری شاهد موضوعاتی هستیم که چند بار انجام شده ولی یکبار نقل شده باشد.

منابع

کتاب

قرآن کریم

احمدی، بابک (۱۳۸۰). *ساختار و تاویل متن*، چاپ یازدهم، تهران، مرکز. ۳۱۶.

اخوت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*، چاپ اول، اصفهان، فردا. ۸-۲۵.

اسکولز، رابرت (۱۳۹۱). *عناصر داستان*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، چاپ چهارم، ۳۷.

آلوت، میریام (۱۳۸۰). *زمان به روایت رمان نویسان*، ترجمه علی محمد حق شناس، تهران، نشر مرکز. ۱۶۸.

ایگلتون، تری (۱۳۸۸). *پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبر، چاپ پنجم، تهران: نشر. ۱۴۶-۱۴۵.

برتنر، یوهانس ویلم، (۱۳۸۸) *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه سجودی، چاپ دوم، تهران: آهنگ دیگر، ص ۱۰۰.

برنس، جیرالد (۲۰۰۳) *المصطلح السردی*، ترجمه عابد خازندار، القاهرة: المجلس الاعلی للثقافه.

بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۸۷) *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*، چاپ اول، تهران: افراز، ص ۷۴.

پورعمرانی، رح. ا... (۱۳۸۹). *آموزش داستان‌نویسی*، تهران، تیرگان. ص ۸۶.

تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲) *بوطیقای ساختارگرا*، ترجمه محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه، ص ۶۲.

تولان، مایکل (۱۳۹۳) *درآمدی زبان شناختی-انتقادی*، ترجمه‌شده فاطمه علوی و دکتر فاطمه نعمتی، تهران: سمت، چاپ دوم، صص ۸۱-۸۰.

ریمون کنان، شلومیت (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*، ترجمه ابوالفضل حری، تهران، نیلوفر، صص ۶۰.

زیتونی، لطیف (۲۰۰۲). *معجم مصطلحات نقد الراویه*، طبعه ۳، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، صص ۳۸.

ژنت، ژرار (۱۳۹۱). *آرایه‌ها*، ترجمه آدین حسین زاده، تهران، نشر قطره، صص ۵.

ژنت، ژرار (۱۳۹۲). *تخیل و بیان (نقد زبان شناختی)*، ترجمه الله شکر اسداللهی تجرق، تهران، سخن، صص ۲۱-۲۲.

کبلی، پل؛ مانفردیان، جان (۱۴۰۰) *نقد ادبی با رویکرد روایت‌شناسی*، ترجمه حسین پاینده، تهران: نیلوفر، چاپ اول، صص ۳۸.

مانفردیان، جان (۱۳۹۸) *روایت‌شناسی*، ترجمه محمد راعب، تهران: ققنوس، چاپ دوم.

مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵) *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه محمد نبوی ومهران مهاجر، تهران: آگه، چاپ دوم.

مکوئیلان، مارتین (۱۳۸۸) *گزیده مقالات روایت*، ترجمه فتاح محمدیف تهران: مینوی خرد، صص ۴۹۷.

هارلند، ریچارد (۱۳۹۶) *از افلاطون تا بارت*، ترجمه بهزاد برکت، تهران: ماه وخورشید.

والاس، مارتین (۱۳۹۱) *نظریه‌های روایت*، ترجمه محمد شهبان، تهران: هرمس، چاپ پنجم، صص ۹۱.

وبستر، راجر (۱۳۸۲) *پیش درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی*، ترجمه اله دهنوی، تهران: فرهنگ وارشاد اسلامی

مقالات

اقارب پرست، فاطمه سعیده، مطیع، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل روایی حضرت موسی (ع) با تکیه بر نظریه ژب لیت و لت. *پژوهش‌های قرآن و حدیث*. ۵۱. ۲۵-۴۴.

حری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). مؤلفه‌های زمان و مکان روایی در قصص قرآنی. *ادب پژوهی*، ۳(۷-۸)، ۱۲۵-۱۴۱.

حزّی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). مؤلفه‌های زمان و مکان روایی در قصص قرآنی. *مجله ادب پژوهی*، شماره هفتم و هشتم، صص ۳۰۳-۳۹۵.

قاسمی پور، قدرت (۱۳۸۷) *زمان و روایت، فصلنامه نقد ادبی*، سال ۱، شماره ۲ صص ۱۴۳-۱۲۲.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: طلائى فرامرز، فرهنگ سربابی محمد، ولیزاده ودودو، جلالت فرامرز، بررسی و تحلیل زمان روایت در داستان قرآنی موسی (ع) بر اساس دیدگاه ژرار ژنت، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۶۴۱-۶۲۳.